

بررسی مدل پیشنهادی رابطه دلبستگی به خدا و رضایت زناشویی با میانجی‌گری معنویت زناشویی و بهزیستی معنوی در کارکنان زن اداره‌های دولتی شهر اهواز

abas_amanelahi@yahoo.com

عباس امان‌الهی / استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

مریم حیدریان / کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

یوسفعلی عطاری / استاد گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

دریافت: ۱۳۹۳/۸/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی مدل پیشنهادی رابطه بین دلبستگی به خدا و رضایت زناشویی، با میانجی‌گری معنویت زناشویی و بهزیستی معنوی در میان زنان متأهل شاغل در اداره‌های دولتی شهرستان اهواز بود. اعتباریابی ابزار پژوهش، بر روی نمونه ۱۰۳ نفری انجام شد. نمونه اصلی شامل ۱۹۳ نفر بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش، شامل پرسش‌نامه دلبستگی به خدا پرسش‌نامه رضایت زناشویی، پرسش‌نامه معنویت زناشویی پرسش‌نامه بهزیستی معنوی بود. ارزیابی مدل فرضی با استفاده از روش تحلیل مسیر انجام گرفت. آزمون مدل در نمونه، برازندگی مناسبی داشت. نتایج نشان داد که بین متغیرهای دلبستگی به خدا و معنویت زناشویی، دلبستگی به خدا و بهزیستی معنوی، معنویت زناشویی و رضایت زناشویی و بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی، رابطه مستقیم مثبت معنادار وجود دارد. همچنین متغیر دلبستگی به خدا از طریق معنویت زناشویی و بهزیستی معنوی با رضایت زناشویی رابطه دارد.

کلیدواژه‌ها: دلبستگی به خدا، رضایت زناشویی، معنویت زناشویی، بهزیستی معنوی.

مقدمه

ازدواج، به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین رابطه بشری توصیف شده است؛ زیرا ساختاری اولیه برای بنیان خانواده و تربیت نسل آینده است (لارسون و هولمن، ۱۹۹۴، ص ۲۹۷). از این نظر، زمینه‌ساز مطلوب‌ترین فرصت‌ها برای تجلی متعالی‌ترین ارزش‌ها و محبوب‌ترین کانون نزد خالق متعال می‌باشد. رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «هیچ کانونی در اسلام بر پا نشده است که نزد خداوند از کانون ازدواج محبوب‌تر و عزیزتر باشد» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۸، ص ۳۳۹). همچنین در فرهنگ اسلامی، ازدواج پیوندی مقدس و به وجود آورنده مطمئن‌ترین و آرام‌بخش‌ترین رابطه‌ها بین زن و شوهر است. چنانچه خداوند می‌فرماید: «از آیات و نشانه‌های قدرت خداوند این است که برای انسان‌ها از نوع خودشان همسرانی آفرید تا در کنار آنان به آرامش و سکون نایل شوند و بین آنها دوستی و رحمت را قرار داد و پایدار ساخت» (روم: ۲۱). آموزه‌های مکتب حیات‌بخش اسلام نیز بر فطری بودن و ضرورت توجه معنوی و قداست بخشی به این نهاد ارزشمند تصریح می‌کند. علامه طباطبایی در *تفسیر المیزان* می‌فرماید: ازدواج و تشکیل خانواده جزء طبیعت انسان، بلکه هر حیوان است. این سنت اجتماعی در میان همه امت‌ها وجود داشته و خواهد داشت و این خود گویای فطری بودن آن است؛ چون اسلام دین فطری است، به آن پرداخته و به آن تقدس بخشیده است (به نقل از: انصاریان، ۱۳۷۶، ص ۷۴). امروزه در اکثر خانواده‌ها، مذهب و زندگی خانوادگی، عمیقاً در هم تنیده و غیرقابل تفکیک است. تحقیقات انجام شده در مورد فرایندهای خانوادگی نشان می‌دهد که باورها و اعمال مذهبی و معنوی، نقش بسیار مهمی در کارکردهای سالم خانوادگی دارد. با این حال، پژوهشگران حوزه سلامت روان، بخصوص متخصصان و محققان علاقمند به مشاوره خانواده، به دنبال درک و تبیین این مسئله هستند که چرا و چگونه مذهب و معنویت بر کارکردها و پیامدهای خانوادگی تأثیر می‌گذارد. یکی از نهادهای مهم اجتماعی، که مورد توجه علمای مذهبی، اخلاقی و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان قرار گرفته است، نهاد خانواده است. شناخت و بررسی عواملی که موجب قوام و استحکام این نهاد اجتماعی می‌گردد، می‌تواند گامی مفید در راستای ارتقای سطح فرهنگ جامعه باشد. عوامل مختلفی بر استحکام و دوام خانواده تأثیر می‌گذارد که از جمله آنها رضایت بین زوج‌ها است.

یکی از موارد مهم یک نظام زناشویی، رضایتی است که همسران در ازدواج خود تجربه می‌کنند (تانگوچی و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۲۵۳). همچنین یکی از ابعاد مؤثر بر کیفیت زناشویی، نظام ارزشی و عقیدتی همسران و مشابهت‌ها و تفاوت‌های باورها و ارزش‌ها در این زیر نظام می‌باشد. پژوهشگران بسیاری بر ارتباط میان مذهبی بودن و رضایت زناشویی تأکید کرده‌اند (هانلر و جنکاز، ۲۰۰۵، ص ۱۲۳). تحقیقات سودمند گسترده‌ای رابطه معنویت با سلامت ازدواج (گیبین، ۲۰۰۴، ص ۲۳)، رضایت از ازدواج (گیبین، ۱۹۹۷، ص ۳۲۱)، سازگاری زناشویی (پرز، ۲۰۰۹) و (گیبین، ۱۹۹۷، ص ۳۲۱)، خوشبختی (اولسون،

(۲۰۰۰)، پایداری (کال و هیتون، ۱۹۹۷، ص ۳۸۲)، صمیمیت، ارتباطات و تعهد (رابینسون، ۱۹۹۴، ص ۲۰۷)، وفاداری جنسی (موری، ۲۰۰۷، ص ۲۲۲) و انعطاف‌پذیری (هاج، ۲۰۰۰، ص ۲۱۷) را گزارش داده‌اند. تحقیقات دیگری نشان می‌دهند که باورهای مذهبی، آیین‌ها و تعهدات، با نتایج مثبتی مانند رضایت زناشویی، بهبود کیفیت زندگی، بهزیستی، سلامت جسمی و روانی، و زندگی پایدار و عملکرد کارایی اعتقادات دینی و تقیدات مذهبی مرتبط هستند. همچنین تحقیقات انجام شده بیانگر این است که نگرش معنوی و مذهبی زوج‌ها، می‌تواند تعدیل‌کننده بحران‌های زندگی باشد (حسین‌دخت و همکاران، ۱۳۹۲).

توافق در مسائل مذهبی، عامل مهمی در پایداری روابط زناشویی به شمار می‌رود. نقش مذهب در این زمینه قطعی است؛ زیرا مذهب به خودی خود، مؤلفه‌های بسیاری همچون روش‌های زندگی، نظام اعتقادی، ارزشی، انتظارات و غیره را در بر می‌گیرد. مذهبی بودن به‌طور معنی‌داری با رضایت زناشویی مرتبط است. معنویت و مذهبی بودن، به عنوان رویدادی آرام‌کننده، برای زوج‌های مذهبی در حین تعارض عمل می‌کند. بدین نحو که عبادت کردن هیجان‌های خصمانه و تعاملات هیجانی را کاهش می‌دهد (هانلر و جنکاز، ۲۰۰۵، ص ۱۲۳). باید گفت: اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به صورتی روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم روان‌شناسی از یک سو، و ماهیت بویا و پیچیده جوامع نوین از سوی دیگر، موجب شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کند و اهمیت بیشتری یابند. به طوری که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می‌کند و بعد چهارم یعنی بعد معنوی را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می‌سازد (وست، ۱۹۵۰، ص ۹).

طی دهه گذشته، توجه بسیار زیادی به خداوند به عنوان یک تکیه‌گاه دلبستگی شده است. تحقیقات پرشماری در این زمینه انجام گرفته است (کرک‌پاتریک، ۱۹۹۹ب). دلبستگی را برای مطالعه و شناسایی عواطف و رفتارهای مذهبی، که معمولاً انتزاعی و غیرحسی هستند و شناخت مذهبی استفاده نمود (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۰).

تأثیر دلبستگی بر اعتقادات مذهبی، نسبت به تأثیر آن بر روابط عاطفی بزرگسال، صریح‌تر و روشن‌تر است. اولین نکته مشخص در تأثیر دلبستگی بر مذهب، مشاهده و بررسی ارتباط فرد با خدا است. نکته دیگر، اهمیت هیجان، دوست داشتن و صمیمیت در نظام اعتقادی مذهبی است. تجربه‌های عاطفی و هیجانی، که اغلب در ارتباط با مذهب مطرح می‌شوند، از لحاظ کیفی با تجربه روابط عاطفی فرد بزرگسال متفاوتند. در حقیقت، مشکل تجربه عشق نسبت به خدا، دقیقاً شبیه دلبستگی کودک-مادر است (کرک‌پاتریک، ۱۹۹۷، ص ۲۰۷). دلبستگی به خدا، مفهومی معنوی است که علاوه بر تأثیر بر باورهای مذهبی بر روابط عاطفی بزرگسال و از جمله رضایت زناشویی تأثیرگذار است.

کرک‌پاتریک و شاور معتقدند: از تئوری دلبستگی برای بررسی روابط افراد با خدا می‌توان استفاده نمود (کرک‌پاتریک و شاور، ۱۹۹۰، ص ۳۱۵؛ ۱۹۹۲، ص ۳۶۶). این محققان عنوان کردند که «خدا»، یعنی هر مظهر مافوق طبیعی یا وجود برتری که به عنوان مظهر دلبستگی در هر ساختار دینی یا عقیدتی شناخته می‌شود. آنها معتقدند: ارتباط افراد با والدین‌شان با ارتباط آنها با خدا مرتبط است. بدین ترتیب، می‌توان گفت: دو ویژگی ارتباط با موضوع دلبستگی و عاطفه و هیجانی، که فرد با وی تجربه می‌کند، در ارتباط با خدا نیز وجود دارد. ابعاد معنویت ازدواج و نظام خانوادگی از عوامل مهم تلقی شده، برای بنیان ازدواج سالم می‌باشند. افزایش روز افزون آگاهی در مورد اهمیت معنویت در ازدواج، به تدریج مورد قبول زمینه‌های مشاوره و روان‌درمانی امروزی قرار گرفته است.

از آنجایی که شواهد متعددی وجود دارند که اهمیت زیاد معنویت برای رابطه زناشویی را بیان می‌کنند. بنابراین، مهم است که پدیده معنویت را میان زوج‌های متأهل، بررسی کنیم. تلاش‌هایی برای تفکیک مفهوم معنویت خاص برای اشخاص متأهل، صورت گرفته است. بعضی از نویسندگان آن را «معنویت رابطه‌ای» می‌نامند. درحالی که برخی دیگر، آن را «معنویت زناشویی» می‌خوانند. معنویت زناشویی، به معنی اظهار فرد از ادراک و اعتقاد شخصی خود در مورد خدا و درک و اعتقاد وی از تعامل با خدا یا تعلق به وی در زندگی متأهلی می‌باشد (پرز، ۲۰۱۲، ص ۲۹۶).

پژوهش‌ها حاکی از این است که معنویت ارتباط مثبتی با سلامت جسمی و روانی دارد. طرفداران نقش معنویت در بهبود سلامت روانی و سازگاری بین فردی، تلاش‌های بسیاری را برای ارتباط بین دو مفهوم سلامتی و معنویت تحت عنوان بهزیستی معنوی انجام داده‌اند (حسین‌دخت و همکاران، ۱۳۹۲). بهزیستی معنوی، حالتی از سلامتی است که بیانگر احساسات، رفتارها و شناخت‌های مثبت از ارتباط با خود، دیگران، طبیعت و موجودی برتر است (گومز و فیشر، ۲۰۰۳، ص ۱۹۷۵). نتایج ۳۵۰ مطالعه نشان می‌دهد که افراد دارای بهزیستی معنوی، شیوه زندگی سالم‌تری را دارند، امیدوارترند، از ثبات روانی بیشتری برخوردارند و رضایت بیشتری از زندگی خود دارند (شهیدی، ۱۳۸۱، ص ۳۲).

در خصوص بهزیستی معنوی توجه به چند نکته حائز اهمیت است: ۱. بهزیستی معنوی را می‌توان حسی از ارتباط داشتن با دیگران، داشتن معنی و هدف در زندگی و داشتن اعتقاد و ارتباط با یک قدرت متعالی تعریف کرد؛ ۲. الیسون بیان می‌کند که بهزیستی معنوی شامل یک عنصر روانی اجتماعی و یک عنصر مذهبی است (الیسون، ۱۹۹۱، ص ۸۰)؛ ۳. بهزیستی مذهبی به عنوان یک عنصر مذهبی، بیانگر ارتباط با یک قدرت برتر یعنی خدا است. بهزیستی وجودی عنصری روانی اجتماعی است و بیانگر احساس فرد از اینکه چه کسی است، چه کاری و چرا انجام می‌دهد و به کجا تعلق دارد، می‌باشد. هم بهزیستی مذهبی و هم بهزیستی وجودی، شامل تعالی و حرکت فراتر از خود می‌باشند. بُعد بهزیستی مذهبی، ما را به رسیدن به خدا

هدایت می‌کند. درحالی‌که بعد بهزیستی وجودی ما را فراتر از خودمان و به سوی دیگران و محیط‌مان سوق می‌دهد. از آنجاکه انسان به عنوان نظامی یکپارچه عمل می‌کند، این دو بعد در عین حال که از هم جدا هستند، با هم تعامل و هم‌پوشی دارند. در نتیجه، ما احساس سلامت معنوی، رضایت و هدف‌مندی می‌کنیم. همبستگی‌های معناداری نیز بین نمرات مقیاس بهزیستی معنوی و متغیرهای از قبیل اعمال مذهبی؛ ۴. افسردگی، عزت نفس و جهت‌گیری مذهبی درونی؛ ۵. بهزیستی هیجانی و رضایت از زندگی؛ ۶. بی‌ثباتی هیجانی و آشفتگی خلق؛ ۷. و استرس؛ ۸ گزارش شده است (صفایی‌راد و همکاران، ۱۳۸۹).

معنویت زناشویی، اعتقاد شخص به اینکه هدف این ازدواج چیست و باید طبق طرح و برنامه، خدا باشد، را منعکس می‌کند. بعد سستی/ عبادی، منعکس‌کننده مراسم آیینی و مذهبی است که شخص و همسر خود در آن، به عنوان بیان و اظهار ایمان خود شرکت می‌کنند. مفاهیم این بُعد ممکن است شامل گزارش‌های شرکت در مکان‌های مذهبی، نماز، خواندن کتاب آسمانی و مانند اینها باشد. بُعد صمیمیت، منعکس‌کننده با هم بودن شخص با همسر، رابطه جنسی، ایمان و درک، رشد شخصی در زندگی زناشویی خود است. بُعد گذشت، منعکس‌کننده مفاهیم مرتبط با پذیرش و قبول همسر خود، با وجود خطاها و ضعف‌های وی و همچنین آشتی و مصالحه با همسر است. بُعد مشارکت، منعکس‌کننده تشخیص و قبول نقش خود در رابطه زناشویی و ادراک وی از مشارکت زوجی و همکاری در اجرای نقش‌های خود است (پرز، ۲۰۱۲، ص ۲۹۶). پرز در تحقیق خود نشان داد که معنویت با رضایت از ازدواج ارتباط دارد. او بیان می‌کند که تفاوت در امتیازهای معنویت زناشویی، بین گروه‌های رضایت بالا و رضایت پایین را می‌توان با ارتباطات عاطفی و وابستگی زوجها به هم توضیح داد. شاید معنویت زناشویی اشخاص می‌تواند بر ارزیابی آنها از ازدواج خود به‌طور کلی تأثیر بگذارد. این ارزیابی، شامل این موضوع است که آیا نیازها، انتظارات و خواسته‌های آنها در ازدواج برآورده شده‌اند، یا خیر.

در این پژوهش، به دنبال بررسی این مسئله هستیم که آیا مدل پیشنهادی رابطه دلبستگی به خدا و رضایت زناشویی، با میانجی‌گری معنویت زناشویی و بهزیستی معنوی در زنان شاغل اداره‌های دولتی شهرستان اهواز برازنده داده‌ها است؟

فرضیه کلی

مدل مفروض رابطه دلبستگی به خدا و رضایت زناشویی، با میانجی‌گری معنویت زناشویی و بهزیستی معنوی در زنان شاغل اداره‌های دولتی شهرستان اهواز برازنده داده‌ها است.

فرضیه‌های مستقیم

۱. دلبستگی به خدا با معنویت زناشویی رابطه مثبت دارد.

۲. دلبستگی به خدا با بهزیستی معنوی رابطه مثبت دارد.

۳. معنویت زناشویی با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد.

۴. بهزیستی معنوی با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد.

فرضیه‌های غیرمستقیم

۱. دلبستگی به خدا از طریق معنویت زناشویی و بهزیستی، معنوی با رضایت زناشویی رابطه دارد.

۱-۱. دلبستگی به خدا از طریق معنویت زناشویی، با رضایت زناشویی رابطه دارد.

۱-۲. دلبستگی به خدا از طریق بهزیستی معنوی، با رضایت زناشویی رابطه دارد.

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. برای ارزیابی روابط بین متغیرها در مدل مفهومی پیشنهاد شده، از روش تحلیل مسیر استفاده شد؛ تحلیل مسیر یک روش تحلیل چند متغیری نیرومند است که از طریق آن می‌توان به آزمون فرضیه‌هایی در مورد روابط بین متغیرها پرداخت.

نمونه‌گیری پژوهش شامل دو مرحله بود: نمونه‌گیری اولیه، برای اعتباریابی پرسش‌نامه‌ها که شامل ۱۰۳ زن متأهل اداره‌های دولتی شهر اهواز بودند. میانگین و انحراف معیار سن نمونه اعتباریابی برابر با ۳۷/۸ و ۱۰/۶۴، میانگین و انحراف معیار سن همسر برابر با ۴۰/۶۱ و ۱۱/۱۶ و میانگین و انحراف معیار سن ازدواج برابر با ۲۲/۱۶ و ۴/۳۲ بود. سطح تحصیلات نمونه اعتباریابی، ۲۴ نفر دیپلم، ۲۰ نفر فوق دیپلم، ۴۰ نفر لیسانس و ۱۰ نفر فوق لیسانس بودند. نمونه اصلی پژوهش، نمونه‌ای ۱۹۳ نفری از کارکنان زن اداره‌های دولتی شهر اهواز بودند. میانگین و انحراف معیار سن ازدواج نمونه اصلی، برابر با ۳۶/۸۵ و ۷/۲۲، میانگین و انحراف معیار سن همسر برابر با ۴۰/۴۴ و ۷/۳۰، و میانگین و انحراف معیار سن ازدواج برابر با ۲۴/۸۱ و ۴/۹۷ بود. سطح تحصیلات آنها، زیر دیپلم ۲ نفر، دیپلم ۱۰ نفر، فوق دیپلم ۲۴ نفر، لیسانس ۱۲۸ نفر، فوق لیسانس ۲۰ نفر و دکتر ۷ نفر بودند.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ: پرسش‌نامه انریچ توسط /ولسون و همکاران در سال ۱۹۸۹ در آمریکا با هدف ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و شناسایی زمینه‌های قوت و پرباری روابط زناشویی ساخته شد (به نقل از امان‌الهی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵). این پرسش‌نامه دارای ۱۱۵ گویه است و ۱۲ خرده‌مقیاس دارد. در این پژوهش، از مقیاس دوم پرسش‌نامه ۱۱۵ سؤالی، که رضایت زناشویی را می‌سنجد، استفاده شد. /ولسون (۱۹۸۹)، ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه انریچ را در خرده‌مقیاس‌های آن از ۰/۴۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرد.

امان‌الهی (۱۳۸۴)، آلفای کرونباخ و پایایی تصنیف این پرسش‌نامه را به ترتیب، ۰/۹۲ و ۰/۸۷ گزارش کرد. آلفای کرونباخ و پایایی تصنیف این پرسش‌نامه در این تحقیق، به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۰ به دست آمد. روایی و پایایی این پرسش‌نامه، در نمونه اعتباریابی محاسبه گردید. برای بررسی روایی این پرسش‌نامه، از پرسش‌نامه کیفیت زناشویی استفاده شد. ضریب همبستگی این پرسش‌نامه ۰/۸۴ به دست آمد که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بود. آلفای کرونباخ و ضریب تصنیف این پرسش‌نامه، در نمونه اعتباریابی برابر با ۰/۹۳ و ۰/۸۸ به دست آمد. آلفای کرونباخ و ضریب تصنیف این پرسش‌نامه در نمونه اصلی ۰/۹۳ و ۰/۸۸ به دست آمد.

پرسش‌نامه دلبستگی به خدا (AGS): مقیاس دلبستگی به خدا، یک مقیاس ۱۶ آیتی، برای ارزیابی دلبستگی به خدا از چهار جنبه، خدا به عنوان پناهگاه امن، خدا به عنوان تکیه‌گاه امن، جست‌وجوی نزدیکی به خدا و جدایی از خدا توسعه یافته است (سیم و لو، ۲۰۰۳). درجه‌ها از یک مقیاس شش نمره‌ای ساخته شده است. برای چهار جنبه ادراکی دلبستگی، آلفای کرونباخ عبارت است از: ۰/۹۶ برای پناهگاه امن؛ ۰/۹۷ برای تکیه‌گاه امن؛ ۰/۹۶ برای نزدیکی و ۰/۹۷ برای فقدان/ جدایی. برای مقیاس کلی، آلفای کرونباخ ۰/۹۹ بود. تحلیل عاملی تأییدی، نشان می‌دهد که یک مدل سه عاملی (دلبستگی به خدا، باور مذهبی، و عمل مذهبی) مناسب به داده‌ها ارائه شده است. روایی این مقیاس، خوب است؛ چون همبستگی بالایی با اعتقادات مذهبی ($r = ۰/۸۳$) و اعمال مذهبی ($r = ۰/۸۵$) دارد. علاوه بر این، تحلیل عاملی تأییدی، نشان می‌دهد که دلبستگی به خدا به صورت تجربی از دلبستگی به پدر و دلبستگی به مادر قابل تشخیص است. این پرسش‌نامه، توسط امان‌الهی و همکاران (۱۳۹۲) ترجمه شد و سپس، برای بررسی در اختیار اساتید مشاوره قرار گرفت. پس از بررسی، مورد استفاده قرار گرفت.

روایی و پایایی این پرسش‌نامه، در نمونه اعتباریابی محاسبه گردید. برای بررسی روایی این پرسش‌نامه، از پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی به خدا (برنان و همکاران، ۱۹۹۸)، استفاده شد. ضریب همبستگی این پرسش‌نامه، با سبک دلبستگی اضطرابی ۰/۲۰- به دست آمد که در سطح $p < ۰/۰۵$ معنادار بود. آلفای کرونباخ و ضریب تصنیف این پرسش‌نامه، در نمونه اعتباریابی برابر با ۰/۹۶ و ۰/۹۳ به دست آمد. آلفای کرونباخ و ضریب تصنیف این پرسش‌نامه، در نمونه اصلی ۰/۹۷ و ۰/۹۶ به دست آمد.

پرسش‌نامه معنویت زناشویی: این ابزار توسط پرز، در سال ۲۰۱۲ ساخته و اعتباریابی گردید. مقیاس از ۳۱ سؤال تشکیل شده است که در آن هفت سؤال مرتبط با رابطه با خدا وجود دارد، شش سؤال مربوط به ابعاد سستی/ عبادی، شش سؤال مربوط به صمیمیت، چهار سؤال مربوط به گذشت، چهار سؤال، مربوط به مشارکت و سه سؤال مربوط به بعد وجودی است. این ابزار، یک مقیاس تک بعدی است که رضایت اشخاص از رابطه زناشویی خود را اندازه‌گیری می‌کند. پرسش‌های نمونه از این قرار بودند:

«من احساس می‌کنم که همسرم به اندازه کافی مهربان و با محبت است»؛

«احساس می‌کنم که زندگی ما با همدیگر بی احساس است»؛

«همسرم الگوی عبادت فردی‌ام است»؛

«بخشش اشتباه‌های همسرم برایم آسان است»؛

«همیشه در زمان احساس نیاز خدا را حاضر می‌بینم».

آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۹۳ است. درحالی‌که تحلیل عامل توضیحی با استفاده از محور اصلی با چرخش مایل کمینه، ساختار دو عاملی این ابزار را نشان داد. تحلیل عاملی، دو عامل را استخراج کرد که در آن، گویه‌های داری کلمات مثبت و منفی به دو عامل تقسیم شدند. تفاوت محتوای عامل‌ها در ساختار عامل مورد توجه نبود. پرسش‌ها بیان مثبت داشته و به صورت جملات خبری است که بیانگر اعتقاد، رفتار و احساسات پاسخ‌دهندگان است و منعکس کننده ابعاد مختلف معنویت در ازدواج هستند. این مقیاس، از نوع لیکرت با شش گزینه پاسخ است که متغیر بین هرگز تا همیشه قرار دارد. پاسخ‌دهندگان می‌توانند به فراوانی بروز رفتار خاص توضیح داده شده در یک آیتم، اشاره کنند. آلفای کرونباخ شش عامل بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۷ بود. این پرسش‌نامه ترجمه و پس از بررسی و تأیید توسط استادان مشاوره مورد اعتباریابی قرار گرفت. برای بررسی روایی این پرسش‌نامه، از پرسش‌نامه دلبستگی به خدا استفاده شد که همبستگی آنها ۰/۶۳ به دست آمد که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بود. آلفای کرونباخ و ضریب تصنیف این پرسش‌نامه در نمونه اعتباریابی برابر با ۰/۹۵ و ۰/۹۵ به دست آمد. آلفای کرونباخ و ضریب تصنیف این پرسش‌نامه در نمونه اصلی ۰/۹۶ و ۰/۹۴ به دست آمد.

پرسش‌نامه بهزیستی معنوی: این پرسش‌نامه توسط دهشیری (۱۳۹۲)، براساس مدل پیشنهادی انجمن ملی بین مذاهب (۱۹۷۵) در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران ساخته شده است و شامل ۴۰ سؤال با مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای است. این پرسش‌نامه، دارای ۴ خرده‌مقیاس به ترتیب زیر است: ۱. ارتباط با خدا؛ ۲. ارتباط با خود؛ ۳. ارتباط با طبیعت؛ ۴. ارتباط با دیگران. با اجرای پرسش‌نامه، نمره ۴ خرده‌مقیاس به دست می‌آید و با جمع نمرات ۴۰ سؤال، نمره کل بهزیستی معنوی به دست می‌آید. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰/۹۴ بود. ضرایب آلفای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب، برابر با ۰/۹۳، ۰/۹۲، ۰/۹۱ و ۰/۸۵ و همچنین ضریب پایایی بازآزمایی پرسش‌نامه، ۰/۸۶ و و خرده‌مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۹، ۰/۸۱، ۰/۸۰ بود. همبستگی مثبت و معنی‌دار نمرات پرسش‌نامه، با نمرات مقیاس بهزیستی معنوی، مقیاس رضایت از زندگی و آزمون دین‌داری معبد، نشانگر روایی همگرایی پرسش‌نامه بود. همچنین همبستگی منفی و معنی‌دار نمرات پرسش‌نامه با

نمرات اختلال روانی، نشانگر روایی و اگرای پرسش‌نامه بود. همچنین نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی نشانگر روایی سازه پرسش‌نامه بود.

برای بررسی روایی این پرسش‌نامه، از پرسش‌نامه دلبستگی به خدا استفاده شد که همبستگی آنها ۰/۷۹، در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار بود. آلفای کرونباخ و ضریب تنصیف این پرسش‌نامه، در نمونه اعتباریابی برابر با ۰/۹۷ و ۰/۹۶ به دست آمد. آلفای کرونباخ و ضریب تنصیف این پرسش‌نامه، در نمونه اصلی ۰/۹۸ و ۰/۹۶ به دست آمد.

پرسش‌نامه سبک دلبستگی به خدا (AGI): AGI یک پرسش‌نامه، ۲۸ آیتمی بر اساس مقیاس تجربه رابطه نزدیک است (ECR، برنان و همکاران، ۱۹۹۸) و ابعاد تعلق خاطر به اضطراب در مورد دل‌کندن و پرهیز از صمیمیت در رابطه با خدا را ارزیابی می‌کند. ECR ابعاد تعلق خاطر مشابه، در روابط عاشقانه بزرگسالان را بررسی می‌کند. AGI شامل زیرمقیاس اضطراب (۱۴ آیتم) و زیرمقیاس جدایی (۱۴ آیتم) می‌باشد. بک و مک‌دونالد، از یک نمونه ۱۱۷ نفری دانشجویان دوره لیسانس استفاده کردند. آلفای کرونباخ گزارش شده ۰/۸۵ (برای زیرمقیاس اضطراب) و ۰/۸۸ (برای زیرمقیاس جدایی) بود. نمونه گویه‌های اضطراب عبارتند از: اغلب از اینکه آیا خدا از من راضی است، یا نه نگران هستم؛ می‌ترسم زمانی که اشتباه می‌کنم، خدا مرا نپذیرد. نمونه گویه‌های جدایی عبارتند از: ترجیح می‌دهم رابطه خیلی عمیقی با خدا نداشته باشم؛ من نیاز عمیقی برای نزدیکی به خدا احساس نمی‌کنم. ثابت شده، AGI ساختار عاملی و اعتبار سازه خوبی در یک مطالعه چند نمونه‌ای دارد. زیرمقیاس‌های AGI نیز ضرائب ثبات درونی خوبی را به دست آورده‌اند (جدایی = ۰/۸۶، اضطراب = ۰/۸۷). از این پرسش‌نامه، برای بررسی روایی پرسش‌نامه دلبستگی به خدا استفاده شد.

پرسش‌نامه کیفیت زناشویی (QMI): نورتون این پرسش‌نامه را در سال ۱۹۸۳، ساخته است. این پرسش‌نامه، یک ابزار ۶ سؤالی است که کیفیت زناشویی را با به‌کارگیری عبارت‌های کلی (مانند ما یک ازدواج خوب داریم) می‌سنجد. آزمودنی، درجه موافقت خود را در یک مقیاس لیکرت نشان می‌دهد. در سؤال ششم، که یک سؤال کلی است، آزمودنی درجه موافقت خود را در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۱۰ (کاملاً موافق) ابراز می‌کند. فینچام و همکاران (۲۰۰۴)، پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶، برای هر دو گروه زنان و مردان گزارش کردند. از این پرسش‌نامه برای بررسی روایی پرسش‌نامه، رضایت زناشویی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

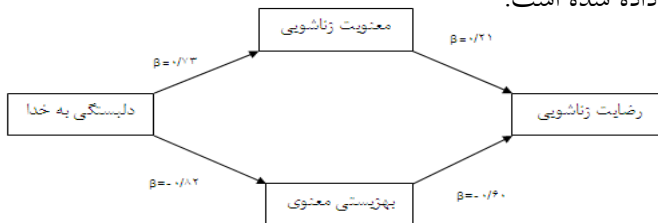
جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

میانگین	انحراف	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۸۹/۰۳	۹/۴۸	۱	۱				
۹۳/۰۷	۲۱/۵۹	۲	معنویت زناشویی	۰/۷۳**	۱		
۸۷/۰۷	۲۰/۱۳	۳	بهبودی معنوی	۰/۸۲**	۰/۷۶**	۱	
۳۷/۰۷	۷/۶۲	۴	رضایت زناشویی	۰/۵۸**	۰/۷۶**	۰/۶۶**	۱

*** $p < ۰/۰۰۱$ ** $p < ۰/۰۰۵$ * $p < ۰/۰۵$

مدل ساختاری این پژوهش، در مجموع ۴ متغیر دارد که شامل دلبستگی به خدا، معنویت زناشویی، بهبودی معنوی و رضایت زناشویی می‌باشد. نتایج تحلیل مدل پیشنهادی در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱: ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی روابط بین متغیرهای دلبستگی به خدا و رضایت زناشویی با میانجی‌گری، معنویت زناشویی و بهبودی معنوی
جدول ۲ شاخص‌های نیکویی برازش مدل پیشنهادی تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۲. شاخص‌های نیکویی برازش مدل پیشنهادی تحقیق

مقدار	شاخص‌های برازندگی
۱/۰۸	آزمون نیکویی برازش مجذور کای (χ^2)
$p \leq ۰/۲۹۸$	سطح معنی‌داری
۱	درجه آزادی (df)
۱/۰۸	نسبت مجذور کای به درجه آزادی (χ^2/df)
۰/۹۹۸	شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)
۱/۰۰۰	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۱/۰۰۰	شاخص برازندگی افزایشی (IFI)
۰/۹۹۹	شاخص توکر-لویس (TLI)
۰/۰۲۱	جذر میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)

بر اساس شاخص نیکویی برازش مجذور کای (χ^2)، شاخص نسبت مجذور کای به درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص توکر-لویس (TLI)، و جذر میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA) به دست آمده، می‌توان گفت: مدل پیشنهادی با داده‌های مشاهده شده برازندگی بسیار مناسبی دارد. بر اساس شاخص‌های برازندگی، ضرایب مسیر روابط مستقیم متغیرهای پژوهش در مدل پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج آنها در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۳. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در مدل پیشنهادی

مسیر	برآورد استاندارد	برآورد غیر استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری (p)
دلبستگی به خدا و معنویت زناشویی	۰/۷۳۵	۱/۶۷	۰/۱۱۱	۱۵/۰۳	$\leq ۰/۰۰۱$
دلبستگی به خدا و بهبودی معنوی	۰/۸۲۳	۱/۷۴	۰/۰۸۷	۲۰/۰۸	$\leq ۰/۰۰۱$
معنویت زناشویی و رضایت زناشویی	۰/۶۰۱	۰/۲۱۲	۰/۰۲۵	۸/۴۸	$\leq ۰/۰۰۱$
بهبودی معنوی و رضایت زناشویی	۰/۲۱۰	۰/۰۸۰	۰/۰۲۷	۲/۹۶	$\leq ۰/۰۰۳$

بر اساس ضرایب مسیر استاندارد و مقادیر بحرانی متناظر میان متغیرهای مدل پیشنهادی تحقیق، که در جدول ۳ ارائه شده است، رابطه دل‌بستگی به خدا با معنویت زناشویی ($p \leq \beta, 0.01/0 = 0.73$) و معنی‌دار، رابطه دل‌بستگی به خدا با بهزیستی معنوی ($p \leq \beta, 0.01/0 = 0.82$) و معنی‌دار، رابطه معنویت زناشویی و رضایت زناشویی ($p \leq \beta, 0.01/0 = 0.60$) و معنی‌دار، و رابطه بهزیستی معنوی و رضایت زناشویی ($p \leq \beta, 0.03/0 = 0.21$) و معنی‌دار است. بنابراین، فرضیه‌های مستقیم همه مورد تأیید قرار می‌گیرند.

در این پژوهش، روابط غیرمستقیم متغیرها (میانجی‌گری)، از طریق روش بوت استرپینگ (Bootstrapping) مورد آزمون قرار گرفته است.

جدول ۴: نتایج بوت استرپ مربوط به روابط غیرمستقیم در مدل اصلاح شده

مسیر	داده	بوت	سوگیری	خطای معیار (SE)	حد پایین	حد بالا
رابطه دل‌بستگی به خدا و رضایت زناشویی، با میانجی‌گری معنویت زناشویی و بهزیستی	۰/۵۴۳۲	۰/۵۴۳۸	۰/۰۰۰۶	۰/۰۶۰۴	۰/۴۲۴۸	۰/۶۶۲۹
رابطه دل‌بستگی به خدا و رضایت زناشویی، با میانجی‌گری بهزیستی	۰/۱۷۵۲	۰/۱۷۵۴	۰/۰۰۰۲	۰/۰۶۸۸	۰/۰۳۹۶	۰/۳۱۲۲
رابطه دل‌بستگی به خدا و رضایت زناشویی، با میانجی‌گری معنویت زناشویی	۰/۳۸۸۰	۰/۳۸۸۴	۰/۰۰۰۴	۰/۰۵۲۴	۰/۲۷۳۷	۰/۴۸۵۷

مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهند که حد بالا و حد پایین رابطه غیرمستقیم دل‌بستگی به خدا و رضایت زناشویی، هم با میانجی‌گری معنویت زناشویی، و هم با میانجی‌گری بهزیستی معنوی و همچنین با میانجی‌گری همزمان دو متغیر معنویت زناشویی و بهزیستی معنوی، صفر را در بر نمی‌گیرند. این امر حاکی از معنی‌داری این مسیرهای غیرمستقیم می‌باشد. بنابراین، فرضیه‌های غیرمستقیم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بین دل‌بستگی به خدا با معنویت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. اگرچه پژوهش کاملاً مشابهی در این زمینه یافت نشد، ولی مبتنی بر فرضیه همسانی کرک‌پاتریک (۱۹۹۸، ۱۹۹۷)، که تبیین‌کننده ارتباط بین مدل‌های دل‌بستگی و دل‌بستگی به خداست (وانگ، ۲۰۱۳، ص ۵)، می‌توان استنباط کرد که نوع دل‌بستگی فرد، در تمام ارتباط‌های یکسان است (مثل ارتباط با مراقب، معشوق و خدا)، رشد دل‌بستگی به خدا با رشد باور خدا به عنوان پناهگاه امن، منجر به ایجاد اعتماد و انگیزه برای ارتباط، کاهش اضطراب و افزایش دلگرمی و اطمینان می‌گردد. یک سرپناه امن، ضمن ایجاد امیدواری در لحظات دشواری، آمادگی، عملکرد و شایستگی را در روابط بین فردی تسهیل و قدرت پذیرش مخاطرات ورود به روابط میان فردی را بالا می‌برد. به نظر می‌رسد، در چنین فردی اعتماد و انگیزه برای تداوم ارتباط، و آمادگی مقابله با

مشکلات احتمالی در زندگی فردی و زوجی بالاتر باشد. علاوه بر این، پرورش دلبستگی به خدا، با افزایش رفتار جوارجویانه در فرد، به سوی خداوندی که حضور فیزیکی ندارد، اما در همه احوال حمایت‌گر است. احساس ارزشمندی و قابل اعتماد بودن را بالا می‌برد. چنین فردی از جدایی و فقدان از خداوند، به عنوان انگاره دلبستگی دچار اندوه می‌گردد و همیشه به دنبال جلب رضایت اوست. از این منظر، می‌توان گفت:

رشد و پرورش مفهوم معنویت زناشویی تبیین شده توسط پرز (۲۰۱۲) نیز، که متکی بر شش بعد ارتباط با خدا، بعد وجودی، صمیمیت، بخشش و مشارکت و بعد آئینی - عبادی است، در فرد قدرت و تمایل برقراری رابطه صمیمانه با خدا را فراهم نموده و ادراک ضرورت اعتقاد به «وابستگی به خداوند» را ایجاد می‌نماید. چنین فردی، در روابط زوجی خود به خدا توکل و اعتماد کامل داشته، خداوند را طراح اصلی و مقدرکننده ازدواج خود می‌داند. ضمن احساس رضامندی از رابطه زناشویی، برای جلب رضای الهی به فعالیت‌های معنوی و دینی می‌پردازد. احساس آرامش و اطمینان در او، موجب صمیمیت با همسر گردیده، قدرت بخشش و درک خطاهای همسر را در او بالا برده و این باور در او شکل می‌گیرد که باید تلاش کند. نقشی را که خداوند در زندگی زناشویی به او واگذار نموده، به خوبی ایفا می‌کند و از این منظر، در بستر دلبستگی به خدا معنویت زناشویی پرورش می‌یابد. در آموزه‌های اعتقادی و عبادی مکتب حیات بخش اسلام نیز دلبستگی و توجه به ذات باری تعالی، از طریق عبادات و ارتباط معنوی با خالق به زندگی معنا و مفهومی صحیح می‌دهد. معنویت زناشویی در زندگی فرد دلبسته به خداوند، با پیروی از دستورات دینی بارز می‌گردد. قرآن کریم، کتاب مقدس دین مبین اسلام حاوی رهنمودهای متعدد و فرامینی است که معنویت و اخلاق را به رابطه زناشویی پیوند می‌دهد. برخی مصادیق آن را می‌توان چنین بیان نمود:

«هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره: ۱۸۷)؛ زوجین در حکم لباس یکدیگرند. این مطلب، حاکی از تأکید بر نزدیکی و صمیمیت در رابطه زن و شوهر، به عنوان نشانی از توجه و بندگی ذات اقدس الهی است. تأکید بر حسن معاشرت و عمل به معروف (که از طریق آن صمیمت و مشارکت در زندگی زناشویی مفهوم می‌یابد): «... و عاشروهن بالمعروف...» (نساء: ۱۹)؛ از جمله اصولی که قرآن کریم در کنترل رفتارهای انسان‌ها نسبت به یکدیگر نام می‌برد. «و أتمروا بینکم بمعروف...» (طلاق: ۶).

مراعات گذشت و عفو، از دیگر ویژگی‌های انسان خداجو است. خطا و نسیان، جزء جدا نشدنی انسان است. زوج‌هایی که با آگاهی از دستورات و سفارشات اسلامی زندگی مشترک خود را شروع می‌کنند، بخشش و گذشت را همواره در دستور کار خویش دارند و از آن امساک نمی‌کنند؛ چرا که مطابق آیات و روایات «والعافین عن الناس و الله یحب المحسنین» (آل عمران: ۱۳۴). این نگاه کوتاه به بخش مختصری از منابع اسلامی نیز می‌تواند مؤید نقش خداجویی و دلبستگی به خدا در رشد معنویت در زندگی مشترک باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که بین دلبستگی به خدا و بهزیستی معنوی رابطه مثبت وجود دارد. در توضیح این یافته، مبتنی بر فرضیه همسانی کرک پاتریک (۱۹۹۸ و ۱۹۹۷) دلبستگی به خدا، می تواند با ایجاد احساس امنیت و محافظت و همچنین اطمینان و اعتماد و حس حفظ شدن در برابر حوادث و مشکلات از جانب یک قدرت متعالی (خداوند)، ضمن پرورش هیجانات سالم در فرد، موجب هماهنگی درونی و بیرونی (با دنیای پیرامون) در او گردد. همچنین با کاهش اضطراب، موجب رشد تفکرات مثبت در فرد، ایجاد برداشت مثبت از افراد و حوادث در ذهن فرد و دادن پاسخ مثبت می گردد. در این فرد، حالتی از بودن و منعکس نمودن احساس و رفتار مثبت و شناخت روابط با خود، دیگران، طبیعت و وجودی متعالی، موجب بروز احساس هویت، تمامیت، رضایت، لذت، قناعت، زیبایی، عشق، احترام، نگرش های مثبت و آرامش و هماهنگی درونی و هدف و جهت در زندگی می گردد. بدین ترتیب، بهزیستی معنوی در وجود او رشد می یابد.

در معارف اسلام نیز معنویت زمینه ساز اطمینان قلبی و آرامش روانی تلقی می شود: «هو الذی انزل السیکنه فی قلوب المؤمنین لیزدادو ایماناً مع ایمانهم» (فتح: ۴)؛ خداست که به دل های مؤمنان آرامش و اطمینان داده است تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. فرد مؤمن با هماهنگی درونی و تسلط بر نفس خود، قدرت و توان کنترل روابط خود را با دنیای پیرامون می یابد و خود را از دام شهوات نفسانی و مادیات و لذت های زودگذر دنیایی می رهاوند و خوشبختی را در تعهد، شرافت و برقراری روابط سالم و انسانی می داند و خود را متوجه کارهایی می کند که به خیر و صلاح خود و جامعه می باشد.

نتایج پژوهش نشان داد که معنویت زناشویی، با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد. این نتیجه، با نتایج تحقیقات انجام شده توسط پرز (۲۰۰۹)، هاسلی (۲۰۰۶)، و همچنین نتایج حاصل از پژوهش حسین دخت و همکاران (۱۳۹۲)، عظیم زاده و همکاران (۱۳۹۰) و کاوه و همکاران (۱۳۹۰) همسو می باشد.

معنویت زناشویی، سازه ای معنوی است که می توان مبتنی بر سه مدل تبیین شده توسط سالیوان، برای پیوند معنویت و دین داری با رضایت از زندگی، به تفسیر ارتباط آن با رضایت زناشویی پرداخت (هاسلی، ۲۰۰۶، ص ۲۴): اول، معنویت با تأثیر مستقیم به صورت ایجاد رسالت در زندگی و احساس وظیفه و تعهد نسبت به نزدیکان و همسر. همچنین پروراندن حس نوع دوستی و اهمیت قائل شدن برای احساس دیگران و عدالت نسبت به اطرافیان، می تواند در رضایت از زندگی زناشویی تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، به طور غیرمستقیم موجب تغییر در همه جنبه های بودن و نحوه زیستن فرد می شود. این خود، می تواند بر کیفیت رابطه و رضایت از رابطه زناشویی تأثیرگذار باشد (وست، ۱۹۵۰، ص ۲۳). فرض مدل جبرانی بر این است که عوامل خطر ساز برای رضایت زناشویی، مثل پیری ازدواج و روان رنجورخویی با دینداری تعدیل

می‌شوند. بنابراین، دین‌داری آسیب‌پذیری زوج‌ها را تعدیل می‌کند. از مطالب یادشده می‌توان استنباط کرد که رشد معنویت زناشویی، موجب ایجاد تجربه ذهنی شادی فرد و خرسندی از رابطه زوجی، که منطبق با مفهوم رضایت زناشویی است، می‌گردد.

در این تحقیق، نتایج نشان داد که بهزیستی معنوی با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد. این نتیجه، با یافته حسین‌دخت و همکاران (۱۳۹۲) و راث (۱۹۹۸)، کاملاً مطابقت دارد و با یافته‌های الیسون و همکاران (۲۰۱۲)، فابریکاتور و همکاران (۲۰۰۴)، فیوریتو و رایان (۲۰۰۷)، هاکنی و ساندروز (۲۰۰۳) همسو می‌باشد. از آنجاکه بهزیستی معنوی، حالتی از سلامتی است که بیانگر احساسات، رفتارها و شناخت‌های مثبت از ارتباط با خود، دیگران، طبیعت و وجودی برتر است، می‌توان گفت: بهزیستی معنوی، ارتباطی هماهنگ و یکپارچه را در افراد فراهم می‌کند و با ویژگی‌هایی مانند ثبات در زندگی، صلح، تناسب و هماهنگی و احساس ارتباط نزدیک با خویشان جامعه و محیط مشخص می‌شود. به این ترتیب، می‌تواند موجب معناداری زندگی فردی و سازگاری در ارتباطات بین فردی و بخصوص رابطه زوجی گردد. بهزیستی معنوی، در شناخت و ارتباط دوستانه با خدا و بندگان و تحقق فضائل در خویشتن مفهوم می‌یابد و از نتایج، تحقق و رشد آن، ضابطه‌مندی و هماهنگی در روابط زناشویی است که می‌تواند با زمینه‌سازی آرامش، معنایی در زندگی، امیدواری، مثبت‌اندیشی و توانمندی در مقابله با اضطراب‌ها و ایجاد فضای حمایتی، موجبات تحقق رضایت زناشویی به معنی نگرش مثبت و لذت بخش زن و شوهر از جنبه‌های مختلف رابطه خود، توافق بر سر مسائل مورد اختلاف، انجام علایق و فعالیت‌های مشترک و کاهش احساس نارضایتی و شکوه از رابطه گردد.

نتایج فرضیه غیرمستقیم، به این معنی است که دلبستگی به خدا با تأثیر بر معنویت زناشویی، می‌تواند رضایت زناشویی را موجب شود. اگرچه برای این یافته، پژوهش کاملاً مشابهی یافت نشد، ولی این نتیجه، با یافته هاچ و همکاران (۱۹۸۶) و رابینسون و همکاران (۱۹۹۳) همسویی دارد. از آنجاکه دلبستگی به خدا، یک سازه معنوی است که بر اساس تحکیم پیوند با خداوندی که امنیت و اطمینان را در باور فرد پرورش داده و با تأثیر بر تمایل او، به جوارجویی و تقرب الهی نائل می‌شود، همچنین احساس اندوه ناشی از فقدان و جدایی از انگاره دلبستگی (خدا)، موجب تقویت انگیزه عبادت و بندگی آن قدرت متعالی، که در دسترس و پاسخ‌گو است، می‌گردد، به نظر می‌رسد به خوبی می‌تواند از طریق اظهار فرد از ادراک و اعتقاد شخصی او در مورد خدا و درک وی از تعامل با خدا، یا تعلق به خدا در زندگی متأهلی، از طریق تأثیر بر ارتباط‌های عاطفی و وابستگی زوج‌ها به هم، منجر به رضایت زناشویی گردد، که به صورت بروز احساسات خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده در همه جنبه‌های ازدواج بیان می‌شود (پرز، ۲۰۱۲).

همچنین معنویت زناشویی، با تأثیر بر پویایی‌های ارتباط بین زوج‌ها، روش تعامل آنها را باهم متأثر می‌سازد. مثلاً با تنظیم عواطف، تقویت تعهد، حمایت از همسر و مشارکت با وی و همچنین تقویت صمیمیت، می‌تواند زمینه ساز رضایت از رابطه زناشویی شود (خوشابی و همکاران، ۱۳۸۶).

همچنین نتایج نشان داد که دلبستگی به خدا، با تأثیر بر بهزیستی معنوی، می‌تواند رضایت زناشویی را موجب شود. اگرچه برای این یافته، پژوهش کاملاً مشابهی یافت نشد. ولی این نتیجه، با یافته هاج و همکاران (۱۹۸۶) و رابینسون و همکاران (۱۹۹۳) همسو می‌باشد. دلبستگی به خدا، به عنوان یک مفهوم معنوی با همان مقدمه، که در تبیین فرضیه قبل بیان گردید، از طریق استقرار حالتی از بودن و منعکس کردن احساسات و رفتار مثبت و شناخت روابط با خود، دیگران، طبیعت و وجودی متعالی، منجر به بروز احساس هویت، تمامیت، رضایت، لذت، زیبایی، عشق، احترام، نگرش‌های مثبت، آرامش، هماهنگی درونی، هدف و جهت در زندگی شود (فیشر، ۲۰۰۰، ص ۳۷؛ فیشر و همکاران، ۲۰۰۰، ص ۱۳۳؛ گومز و فیشر، ۲۰۰۳، ص ۱۹۷۵). این امر نشان‌دهنده سلامت معنوی شخص است. رشد بهزیستی معنوی در فرد و سلامت معنوی، به صورت سازگاری (ناشی از کاهش اضطراب)، توانمندی در تنظیم عواطف منفی، خشم و عصبی بودن (ناشی از آرامش و هماهنگی درونی و نگرش مثبت)، قدرت تنظیم ایفای نقش و کاهش مشکلات ارتباطی، آشفتگی و افسردگی (ناشی از احساس رضایت، لذت، زیبایی، عشق و احترام)، کاهش هیجانات خصمانه و تعاملات هیجانی به هنگام تعارض (ناشی از احساس هویت، هماهنگی درونی و آرامش و هدف در زندگی)، افزایش صمیمیت (ناشی از احساس رضایت، لذت، زیبایی، عشق و احترام)، معنا دادن به شرایط ناگوار و دشواری‌ها و نحوه کنار آمدن با آنها (ناشی از نگرش مثبت و آرامش و هماهنگی درونی)، می‌تواند منجر به رضایت زناشویی شود که *امان/الهی* (۱۳۸۴)، آن را نگرش مثبت و لذت‌بخشی می‌داند که زن و شوهر از جنبه‌های گوناگون روابط زناشویی خود بیان می‌کند.

با توجه به جامعه آماری پژوهش، که زنان متأهل شاغل در اداره‌های دولتی شهرستان اهواز بودند و همچنین روش نمونه‌گیری در دسترس، تعمیم یافته‌های پژوهش باید با احتیاط انجام شود. در پژوهش‌های آینده، ساخت مقیاس معنویت زناشویی مبتنی بر فرهنگ اسلامی مد نظر قرار گیرد. همچنین با توجه به نقش و اثر متغیرهای معنوی پژوهش در زندگی زناشویی افراد، مشاوران و درمانگران حوزه خانواده، به روش‌ها و درمان‌های مبتنی بر پرورش مفاهیم معنوی و دلبستگی به خدا در امر مشاوره و همچنین درمان مراجعان مبادرت ورزند.

منابع

- امان‌الهی، عباس، ۱۳۸۴، *بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهرستان اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، اهواز، دانشگاه شهید چمران.
- امان‌الهی، عباس و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی سبک‌های دلبستگی به خدا، دلبستگی به خدا، تعالی مذهبی و درگیری معنوی با بهزیستی روان‌شناختی»، مقاله منتشر نشده.
- انصاریان، حسین، ۱۳۷۶، *نظام خانواده در اسلام*، چ پنجم، قم، ام‌ایبها.
- حسن‌پور، امین و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی رابطه دلبستگی به خدا و سلامت روان در والدین کودکان استثنایی و عادی شهر همدان سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۸۸»، *افراد استثنایی*، سال دوم، ش ۶، ص ۲۰-۱.
- حسین‌دخت، آرزو و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی»، *روان‌شناسی و دین*، سال ششم، ش ۲، ص ۵۷-۷۴.
- دهشیری، غلامرضا و همکاران، ۱۳۹۲، «ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه بهزیستی معنوی در میان دانشجویان»، *مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، دوره نهم، ش ۴، ص ۷۴-۹۷.
- شهیدی، شهریار و مصطفی حمدیه، ۱۳۸۱، *اصول و مبانی بهداشت روانی*، تهران، سمت.
- صفائی‌راد، ایرج و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه بهزیستی معنوی با سلامت روان در دانشجویان»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار*، دوره هفدهم، ش ۴، ص ۲۷۴-۲۸۰.
- عظیم‌زاده پارسى، آرزو و همکاران، ۱۳۹۰، «ارتباط جهت‌گیری مذهبی (درونی، بیرونی) با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل»، در: مجموعه مقالات دومین همایش روان‌شناسی - روان‌شناسی خانواده دانشگاه آزاد اسلامی.
- کاوه، منیژه و هاجر بهرامی، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه بین رضایت زناشویی و معنویت در میان کارکنان دانشگاه»، در: مجموعه مقالات دومین همایش روان‌شناسی - روان‌شناسی خانواده دانشگاه آزاد اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲، *بحار الانوار*، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- وست، ویلیام، ۱۹۵۰، *روان‌درمانی و معنویت*، ترجمه شهریار شهیدی و سلطانعلی شیرافکن، تهران، رشد.
- Brennan, K. A, et al, 1998, *Self-report measures of adult romantic attachment, An integrative overview*, In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships*, New York, Guilford Press.
- Call, V, & Heaton, T, 1997, Religious influence on marital stability, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 36, p. 382-392.
- Ellison, C. G, 1991, Religious involvement and subjective well-being, *Journal of Health and Social Behavior*, 32(1), 80-9. Ellison, C.G., Bradshaw, M., Kuyel, N., & Marcum, J.P. (2012). Attachment to God, stressful life events, and changes in psychological distress, *Review of Religious Research*, v. ۵۳ (۴), p. ۴۹۳-۵۱۱.

- Fabricatore, A.N, et al, 2004, Stress, religion, and mental health: Religious coping in mediating and moderating roles, *International Journal for the Psychology of Religion*, v. 14 (2), p. ۹۱-۱۰۸.
- Fiorito, B, & Ryan, K, 2007, Spirituality and psychological well-being: A mediator-moderator study, *Review of Religious Research*, v. 48 (4), p. 341-368.
- Fisher, J, 2000, Being human, becoming whole: understanding spiritual health and well-being, *Journal of Christian Education*, v. 43 (3), p. 37-52.
- Fisher, J.W, et al, 2000, Assessing spiritual health via four domains of spiritual well-being: the SH4DI, *Pastoral Psychology*, v. 49 (2), p. 133-145.
- Giblin, P, 1997, Marital Spirituality: A Quantitative Study, *Journal of Religion and Health*, v. ۳۶, P. ۴, P. ۳۳۳-۳۴۴.
- _____, 2004, Marital health and spirituality, *Journal of Pastoral Counseling*, v. 39, p. 43-67.
- Gomez, R, & Fisher J.W, 2005b, The Spiritual Well-Being Questionnaire: Testing for model applicability, measurement and structural equivalencies and latent mean differences across gender, *Personality and Individual Differences*, v. 39 (8), p. 1383-1393.
- Gomez, R, & Fisher, J. W, ۲۰۰۳, Domains of spiritual well-being and development and validation of the spiritual well- being Questionnaire, *Personality and Individual Differences*, v. 35, p. 1975-1997.
- Hackney, C. H, & Sanders, G.S, 2003, Religiosity and mental health: A meta-analysis of recent studies, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 42 (1), p. 43-55.
- Haseley, J. I, 2006, Marital satisfaction among newly married couples: association with religiosity and romantic attachment style, *Dissertation doctor of philosophy*, University of North texas.
- Hatch, R, et al, 1986, "Spiritual Intimacy and Marital Satisfaction", *Family Relations*, v. 35, p. ۵۳۹-۵۴۵.
- Hendrick, S. S, & Hendrick, C, 1997, Love and satisfaction, In Strenberg & Hojjat (Eds), *Satisfaction in close relationships*, 56-78 New York: Guildford Press.
- Hodges, S, 2002, Mental health, depression, and dimensions of spirituality and religion, *Journal of Adult Development*, v. 9 (2), p. 109-115.
- Hunler, O. S, & Gencoz, T, 2005, The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role marital problem solving between religiousness and marital satisfaction relationship, *Contemporary Family Therapy*, v. 27, n. 1, p. 123-136.
- Kirkpatrick, L. A, 1999, A longitudinal study of changes in belief and behavior religious as function of individual differences in adult attachment style, *Journal of the Scientific Study of Religion*, v. 36, p. 207-217.
- Kirkpatrick, L. A, & Shaver, P. R, 1990, Attachment theory and religion: Childhood attachments, religious beliefs, and conversion, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 29, p. 315-334.
- Kirkpatrick, L. A, & Shaver, P. R, 1992, An attachment-theoretical approach to romantic love and religious belief, *Personality and Social Psychology Bulletin*, v. 18, p. 266-275.
- Kirkpatrick, L. A, 1992, An attachment theory approach to the psychology of religion, *International Journal for the Religion*, v. 2, p. 3-28.
- Kirkpatrick, L. A, 1994, *The role of attachment in religiobehavior*, InK.
- _____, 1997, A longitudinal study of changes in religious beliefs and behavior as a function of individual differences in adult attachment style, *Journal for the Scientific Study of*

- Religion*, v. 36, p. 207-217.
- _____, 1999a, *Attachment and religious representations and behavior*, In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*, 803-822. New York: Guilford Press.
- _____, 1999b, *Attachment and religious Representations and behavior*, In j. Cassidy and P. R. Shaver(Eds), *handbook of Attachment: Theory and research*, 803-822. New York: Guilford Press.
- _____, 1999c, *Handbook of attachment: Theory and research clinical application*, New York, Guilford Press.
- _____, 1998, God as a substitute attachment figure: A longitudinal study of adult attachment style and religious change in college students, *Personality and Social Psychology Bulletin*, v. 24, p. 961-973.
- Larson, J. H, & Holman, T. B, 1994, Predictors of marital quality an stability, *Family Relations*, ۴۳, ۲۲۸-۲۳۷, *روان‌شناسی دین*، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶، ۱۱۲، ۲۹۷-۳۱۰.
- Murray K. M, J. W, & et al, ۲۰۰۷, Spirituality religiosity, shame and guilt as predictors of sexual attitudes and experiences, *Journal of Psychology and Theology*, v. 35, p. 222-234.
- Norton, R, 1983, Measuring marital quality—a critical look at the dependent variable, *Journal of Marriage and the Family*, v. 45, p. 141-151.
- Olson, D. H, & Olson, A. K, 2000, “Empowering couples: Building on your strengths, MN: Life Innovations, Inc.
- Paloutzian, R. F, & Ellison, C. W, 1983, Loneliness, spiritual well-being, and quality of life. In L. A. Peplau, & D. Perlman (Eds), *Loneliness: Sourcebook For Current Theory, Research, and Therapy*, New York, Wiley Inter science.
- Perez, J, 2009, Marital spirituality, psychopathology, and marital satisfaction among Filipino couples, Unpublished research University Faculty Research Office, De La Salle University Dasmariñas.
- Perez, J, 2012, Validation of marital spirituality scale, *International Journal of Social Science and Humanity*, v. 2 (4), p. 296-300.
- Robinson, L, & Blanton, P, 1993, "Marital Strengths in Enduring Marriages", *Family Relations*, v. 42, p. 38-45.
- Robinson, L. C, 1994, “Religious orientation in enduring marriage: An exploratory study,” *Review of Religious Research*, v. 35, p. 207-218.
- Sim, T. N, & Loh, B. S. M, 2003, Attachment to God: Measurement and dynamics, *Journal of Social and Personal Relationships*, v. 20, p. 373-389.
- Taniguchi, S. T, et al, 2006, A study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation, *Journal of Experiential Education*, v. 28 (3), p. 253-256.
- Wang, k, 2013, An examination of the relationship among adult attachment style, attachment to god, and spiritual development in counselors and counselor trainees, Dissertation of phd, Texas, A & M university.